

نگاهی به مسئله تشرفات به محضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه

زینب عباس نژاد، مدینه امانی^۲

چکیده

تشرّف به محضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه و ملاقات با حجت الهی در زمان غیبت کبری آرزوی مشتاقان آن حضرت است، اما با وجود روایاتی که مدعیان مشاهده در زمان غیبت کبری را دروغ گو خوانده و مؤمنان را به تکذیب چنین مدعیانی امر کرده اند، امکان مشاهده آن حضرت در زمان غیبت کبری دچار تردید شده و در این زمینه دیدگاه‌های مختلفی اظهار شده است. مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به این موضوع پرداخته و دیدگاه‌های مختلف در زمینه دیدار با امام زمان عجل الله تعالی فرجه را تبیین و بررسی کرده است. با بررسی دلایل دو دیدگاه امکان تشرّف و دیدگاه مخالفان امکان تشرّف در دوران غیبت کبری مشخص شد که امکان تشرّف به محضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه در دوران غیبت کبری وجود دارد، اما امکان دیدار در صورتی که دیدارکننده ادعای مشاهده آن حضرت را نماید، وجود ندارد.

واژگان کلیدی: تشرّف، ملاقات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه، امام زمان عجل الله تعالی فرجه، غیبت کبری، امکان ملاقات.

۱. مقدمه

بررسی عالمانه و منطبق با موازین شرع و عقل در معارف دینی، زمینه هر نوع آسیب‌پذیری و تحریف را در اندیشه‌های دینی از بین می‌برد و یا حداقل از شدت آن می‌کاهد. تشرّف به محضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه از موضوعاتی است که تبیین درست آن مانع پیدایش اندیشه‌های انحرافی شده است و بی‌توجهی نسبت به آن موجب پیدایش خرافات و ذهنیت‌های منفی در این مسئله خواهد

۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد مترجمی عربی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی عجل الله تعالی فرجه العالمیه، ایران.

۲. دکتری علوم قرآن و حدیث، عضو هیئت علمی مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی عجل الله تعالی فرجه العالمیه، ایران.

شد. توجه به کارکردهای مثبت و منفی این موضوع، اهمیت آن را برای نمایان می‌کند. هر چند برهان‌های قوی عقلی و دلایل فراوان نقلی بر وجود و حضور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه در جامعه وجود دارد، اما جریان‌های دیدار و تشریف به محضر آن حضرت، مؤیدی قوی بر حضور امام عصر عجل الله تعالی فرجه در جامعه است و می‌تواند وجود آن حضرت را محسوس و ملموس کند و شک و تردید درباره وجود آن حضرت را از بین ببرد. از طرف دیگر هر چند تشریف به محضر آن حضرت توفیقی بزرگ برای انسان است و حتی شنیدن تشریف دیگران موجب نشاط و برانگیختن احساسات مذهبی در افراد می‌شود، اما راه سوء استفاده را برای افراد فرصت طلب و شیاد باز می‌کند تا با ادعاهای واهی مانند باب، واسطه بین امام و مردم و ملاقات، عده‌ای را به دور خود جمع کند و دنیای خود را از این طریق آباد کرده و زمینه خرافه‌پردازی و داستان‌سرایی را در جامعه ایجاد کنند.

موضوع تشریف همان‌طور که موجب برکات در جامعه است آثار منفی آن موجب شده است که برخی افراد هرگونه ملاقات و دیدار با حضرت عجل الله تعالی فرجه را منکر شوند. موضوع تشریف به محضر آن حضرت و ملاقات از ابتدا در منابع شیعی وجود داشته است و تاکنون ادامه دارد. براساس منابع معتبر، ملاقات برخی از شیعیان با امام زمان عجل الله تعالی فرجه در عصر امامت امام حسن عسکری علیه السلام و نیز در دوران غیبت صغری واقع شده است و از این جهت تردیدی وجود ندارد. وکلای آن حضرت مانند احمد بن اسحاق قمی و ابراهیم بن مهزیار اهوازی از جمله این افراد هستند. (ر.ک.، شیخ صدوق، ۱۳۹۵، ص ۴۴۳؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۸۱) عالمانی مانند کلینی (۳۲۹)، شیخ صدوق (۳۸۱)، شیخ طوسی (۳۸۵) و شیخ مفید (۴۱۳) در کتاب‌های خود صفحاتی را به دیدارکنندگان و چگونگی دیدارها اختصاص داده‌اند (ر.ک.، کلینی، ۱۳۸۸، ۲/۲۶۵؛ شیخ صدوق، ۱۳۹۵، ۲/۴۳۵؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۱، ص ۲۵۳؛ شیخ مفید، ۱۴۱۶، ۲/۳۵۱). به اعتراف کسانی که منکر وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه هستند نقل این داستان‌ها در مستحکم‌شدن عقیده به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نقش به‌سزایی دارد (الکاتب، ۱۹۹۸، ص ۲۶۸).

وجود کتاب‌های فراوان در موضوع مهدویت و ملاقات با آن حضرت نشانه اهمیت آن در بین مسلمانان است. این موضوع بیشترین پرسش‌ها را در موضوع مهدویت به خود اختصاص داده است. در عصر حاضر کتاب‌هایی با عنوان ملاقات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه و مشابه آن بارها تجدید چاپ شده‌اند. کتاب‌های بدائع الکلام فیمن فاز بلقاء الامام از سید محمد بن حسین یزدی حائری

(۱۳۱۳)، جنة المأوی فی ذکر من فاز بقاء الحجة از میرزا حسین نوری (۱۳۲۰)، عنایات حضرت مهدی موعود علیه السلام به علما و مراجع تقلید از آیت الله کریمی جهرمی (۱۳۸۳) از جمله کتاب‌هایی هستند که در موضوع ملاقات با امام زمان علیه السلام نگاشته شده‌اند. جواد جعفری (۱۳۸۹) در کتاب دیدار در عصر غیبت از نفی تا اثبات به تفصیل درباره امکان دیدار و شبهات مربوط به آن سخن گفته است. مقالات زیادی نیز مانند تشرفات بین نفی و اثبات از هادی دانشور، ارتباط با امام زمان علیه السلام در عصر غیبت از علی اکبر ذاکری و تأملی در باب ارتباط و ملاقات با امام زمان علیه السلام از قنبر علی صمدی به این موضوع پرداخته‌اند. در برخی کتاب‌ها، دعاها و اعمالی برای تشریف به محضر آن وجود مقدس وارد شده است که همه اینها حاکی از امکان دیدار با آن حضرت در دوران غیبت کبری است. داشتن ارتباط قلبی و معنوی با امام عصر علیه السلام و توسل به آن حضرت و عنایات ویژه او به افرادی که با آن بزرگوار ارتباط خالصانه روحی برقرار می‌کنند نیز امری ضروری و قطعی بوده و شواهد بسیاری آن را تأیید می‌کند. بسیاری از الطاف و کراماتی که در گذشته و حال برای تعدادی از ارادتمندان مخلص آن حضرت از علما و یا افراد عادی واقع شده، نشانه صحت ادعای مذکور است (ر.ک.، جعفری، ۱۳۸۹، ص ۸۳-۱۲۲)، اما باید اذعان کرد که این امر اختصاصی به توسل به امام زمان علیه السلام نداشته و ارتباط معنوی و توسل به سایر ائمه علیهم السلام و حتی اولیای مقرب الهی زمینه کرامت‌های خاص را برای فرد متوسل فراهم خواهد کرد.

۲. مفهوم‌شناسی

تشریف مصدر باب تفعیل از شرف به معانی شرفیاب شدن، بزرگی یافتن (عمید، ۱۳۸۲، ص ۵۷۸) بزرگوار شدن، به خدمت بزرگی رسیدن (معین، ۱۳۵۱، ص ۱۵۳۸) شرف جستن، به حضور کسی رسیدن، به مجلس بزرگی وارد شدن (دهخدا، ۱۳۷۳)، آمده است. در اصطلاح به معنای دیدن و شرف حضور یافتن به خدمت امام زمان علیه السلام است. کلماتی مانند رؤیت، ملاقات و مشاهده و فیض حضور نیز در ارتباط با امام زمان علیه السلام به کار می‌روند که با وجود تفاوت در تعبیر به جای هم به کار می‌روند. رؤیت به معنای دیدن حضرت بدون شناخت است و ملاقات، دیدن با شناخت حضرت است. فیض حضور، دیدن حضرت و شناخت ایشان همراه با سؤال و جواب است که این مرحله از همه مراحل بالاتر و ارزنده‌تر است. دیدن حضرت حجت علیه السلام در عصر غیبت کبری بدون

شناخت آن حضرت در لحظه دیدار، امری ممکن است؛ زیرا براساس روایات معتبر، امام عجله الله تعالی فرجه در دوران غیبت بین مردم زندگی می‌کند و چه بسا مردم او را می‌بینند، ولی موفق به شناخت او نمی‌شوند.

امام صادق عجله الله تعالی فرجه از حضرت علی عجله الله تعالی فرجه نقل کرده است: «و لو خلت الارض ساعة واحدة من حجة الله لساخت بأهلها و لكن الحجة يعرف الناس و لا يعرفونه كما كان يوسف يعرف الناس و هم له منكرون؛ اگر زمین یک ساعت از حجت خدا خالی باشد ساکنان خود را فروخواهد برد. حجت حق مردم را می‌شناسد، ولی مردم او را نمی‌شناسند همان‌گونه که حضرت یوسف عجله الله تعالی فرجه مردم را می‌شناخت و مردم او را نمی‌شناختند». (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۱۴۴) دیدار با امام عصر عجله الله تعالی فرجه در عصر غیبت کبری و شناخت آن حضرت امری ممکن است البته در صورتی که دیدارکننده ادعای مشاهده آن حضرت را در حضور دیگران نداشته باشد. این امر مورد اتفاق موافقان و مخالفان دیدار با آن حضرت در عصر غیبت است و پذیرش آن مستلزم برداشت انحرافی یا سوء استفاده ناهلان نخواهد بود. مسئله مهم در این زمینه با توجه به روایات صحیحی که مدعیان مشاهده را تکذیب کرده است این است که آیا تشریف به محضر آن حضرت در زمان غیبت کبری به صورتی که شخص دیدارکننده، ادعای مشاهده آن حضرت را در بیداری (نه در خواب یا حالت مکاشفه) کند امکان دارد یا نه. روشن است که تشرفات کسانی که بعد از ملاقات با امام زمان عجله الله تعالی فرجه متوجه این حقیقت شده‌اند خارج از موضوع این نوشتار است. این نوع تشرفات به محضر امام عصر عجله الله تعالی فرجه که شخص ادعای دیدار داشته باشد مورد بحث عالمان از گذشته تا زمان حال قرار گرفته است.

۳. دلایل موافقان و مخالفان تشرفات امام زمان عجله الله تعالی فرجه

۳-۱. امکان تشریف در دوران غیبت کبری

طرفداران این دیدگاه وجود برخی روایات و داستان‌های زیادی که از افراد مختلف در این زمینه ذکر شده است را دلیلی بر صحیح بودن دیدگاه خود می‌دانند و گفتار عالمانی چون سید مرتضی را در این خصوص تأییدی دیگر بر ادعای خود ذکر کرده‌اند.

اول) روایات امام صادق علیه السلام

«عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه السلام قال: لا بُدَّ لصاحبِ هذا الامرِ من غیبةٍ و لا بُدَّ له فی غیبهته من عُزلةٍ و نعم المَنزِلُ طَیِّبَةٌ و ما بثلاثین من وحشةٍ؛ صاحب این امر به ناچار غیبتی دارد و در دوران غیبت از مردم کناره می‌گیرد و نیکو منزلی است مدینه طیبه و با وجود سی نفر وحشتی برای آن حضرت نیست». (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۱۸۸؛ کلینی، ۱۳۸۸، ۱/۲۷۵) محدث نوری در تبیین این روایت و دلالت آن بر ادعای مذکور می‌نویسد: «این سی تن که امام علیه السلام در دوران غیبت با آنها انس می‌گیرد به ناچار در هر عصری تغییر می‌کنند؛ زیرا عمری که برای سرور آنان مقدر شده است برای آنان نیست. از این رو در هر عصری سی مؤمن دوست‌دار، مشرف به دیدار آن حضرت می‌شوند» (نوری، ۱۴۱۵، ص ۱۴۸).

نقد و بررسی روایت: در سند این روایت، علی بن حمزه بطائنی رئیس واقفیه وجود دارد که موجب ضعف روایت شده است. علاوه بر ضعف سند، روایت به دلایل زیر از جهت دلالت نیز قابلیت پذیرش برای ادعای مذکور را ندارد.

- از جمله «نعم المنزل طیبة» استفاده می‌شود که مفاد حدیث مربوط به دوران غیبت صغری است؛ زیرا در دوران غیبت کبری مکان حضور امام علیه السلام مشخص نیست.

- محتوای حدیث با شأن و منزلت امام علیه السلام سازگاری ندارد و مقام امام بالاتر از آن است که برای رفع وحشت در هر عصری با سی تن به‌طور متناوب انس بگیرد. پذیرش این معنا برای اولیای متوسط الهی که حلاوت انس با حضرت احدیت را چشیده‌اند بسیار دشوار است تا چه رسد به مقام عظمای ولایت امام مهدی علیه السلام که قلب مقدسش فانی در وجود حق است و لحظه‌ای از یاد حق غافل نیست. آیا شایسته است که آن مقام والا در دوران غیبت کبری از تنهایی وحشت کند و خداوند برای رفع وحشت آن حضرت همیشه سی تن را همراه آن حضرت قرار دهد؟ آیا پذیرش این سخن با گفتار جد بزرگوارش علی بن حسین علیه السلام منافات ندارد که فرمود: «لومات من بین المشرق و المغرب لما استوحشت بعد أن یکون القرآنُ معی؛ هرگاه تمامی مردمان کره زمین از دنیا بروند و من در دنیا تنها باشم آن‌گاه که با قرآن مصاحبت داشته باشم هیچ وحشتی بر من عارض نمی‌شود» (کلینی، ۱۳۸۸، ۲/۴۴۰).

شاید به همین دلیل بوده است که علامه مجلسی عبارت «و ما بثلاثین من وحشه» را در آغاز این گونه معنا کرده است: «دوستداران و خواص آن حضرت به خاطر انس با یکدیگر دچار وحشت نمی‌شوند» (مجلسی، ۱۳۶۳، ۵۱/۴) نه اینکه همراهی با آنها موجب می‌شود تا امام عصر عجل الله تعالی فرجه دچار وحشت نشود.

- به فرض پذیرش حدیث، از عبارت «و ما بثلاثین من وحشه» استفاده می‌شود که این سی تن از ملازمان آن حضرت بوده‌اند و همیشه همراه آن حضرت هستند و این گونه نیست که گاه گاهی به محضر آن حضرت برسند تا دلیلی بر ادعای تشرف افراد به محضر حضرت در دوران غیبت کبری باشد. شارح گران قدر اصول کافی ملاصالح مازندرانی نیز در بررسی این روایت با وجود آنکه روایت را مربوط به دوران غیبت کبری می‌داند معتقد است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه در این دوران از تمام افراد فاصله گرفته است به گونه‌ای که او مردم را می‌بیند، ولی مردم او را نمی‌بینند هر چند آثار وجودی امام عجل الله تعالی فرجه به مردم می‌رسد (مازندرانی، ۱۴۲۱، ۳۶۵/۶).

«للقائم غیبتان: احدهما قصیره و الاخری طویلة؛ الغیبة الاولى لا یعلم بمكانه فیها إلا خاصة شیعته و الاخری لا یعلم بمكانه فیها إلا خاصة موالیه؛ حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه دو غیبت دارد: یکی کوتاه و دیگری طولانی است. در غیبت نخست کسی از مکان حضرت باخبر نیست مگر شیعیان خاص آن حضرت و در غیبت دوم جز موالیان خاص آن حضرت کسی مکان او را نمی‌داند.» (کلینی، ۱۳۸۸، ۲۷۵/۱)

نقد و بررسی روایت: استدلال بر این روایت بر امکان تشرف در غیبت کبری مبتنی بر این است که مراد از «خاصة موالیه» شیعیانی هستند که مشتاق دیدار آن حضرتند و به دلیل این ویژگی خاص، موفق به فیض تشرف می‌گردند در حالی که از تقابل این جمله با عبارت خاصه شیعه استفاده می‌شود که مراد از موالیان خاص، افرادی هستند که همیشه همراه حضرت هستند؛ زیرا در غیر این صورت تکرار در روایت ضروری می‌شود در حالی که ظاهر روایت آن است که بین «إلا خاصة شیعته» و «إلا خاصة موالیه» تفاوت وجود دارد.

بنابراین، در غیبت صغری تنها عده خاصی از شیعیان مخلص از مکان حضرت آگاه هستند و امکان دیدار برایشان فراهم خواهد بود، اما در دوران غیبت کبری هیچ کس از مکان آن حضرت اطلاع ندارد و تنها خواص از موالیان حضرت که همیشه ملازم با او هستند از این امر آگاهند. همان طور که ملاصالح مازندرانی در تبیین این روایت می‌نویسد: «مراد از عبارت خاصه موالیه،

حواریون آن حضرت هستند؛ زیرا برای هر یک از ائمه علیهم السلام مانند عیسی بن مریم حواریونی وجود دارد» (مازندرانی، ۱۴۲۱، ۲۶۶/۶). علامه مجلسی نیز در شرح این حدیث چنین نوشته است: «مراد از عبارت خاصه موالیه، خادمان و فرزندان حضرت هستند یا سی نفری که پیش از این گذشت و در غیبت صغری برخی خواص شیعه مانند سفرا و وکلای حضرت از مکان آن حضرت آگاه بودند» (مجلسی، ۱۳۶۳، ۵۲/۴). بنابراین، این حدیث نیز در اثبات امکان دیدار با امام عصر عجله الله تعالی فرجه الیه در عصر غیبت کبری تمام نبوده است و مراد از موالی خاص، خدمتگزاران و حواریون خاص آن حضرت هستند.

۳-۱-۲. حکایات در ملاقات‌های با حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه الیه

شاید بتوان گفت مهمترین دلیل قائلین به امکان تشرّف به محضر حضرت ولی عصر عجله الله تعالی فرجه الیه داستان‌های بسیار زیادی است که در کتاب‌های گوناگون مانند النجم الثاقب، بحر الانوار و... بیان شده است. در نظر این افراد بهترین دلیل بر امکان چیزی، وقوع آن است. بنابراین، حتی در صورت ضعف روایاتی که در باب امکان دیدار وارد شده است نفس این داستان‌ها دیدن امام عصر عجله الله تعالی فرجه الیه را امری ضروری و خدشه‌ناپذیر قرار می‌دهد. محدث نوری از طرفداران جدی این دیدگاه می‌نویسد: «ما روشن کردیم جواز دیدن حضرت را در غیبت به‌طور مستوفی در رساله‌های جنه المأوی و النجم الثاقب شواهدی بر این مطلب آوردیم و برای آنچه درباره تکذیب مدعیان رؤیت آمده است تأویلاتی ارائه کردیم» (نوری، ۱۴۱۵، ص ۲۲۹).

نقد و بررسی حکایات ملاقات: قبل از نقد و بررسی لازم به ذکر است که در عصر کنونی بازار نشر کتاب‌هایی که با عنوان ملاقات با امام زمان عجله الله تعالی فرجه الیه نوشته شده‌اند و بدون هیچ‌گونه ضابطه‌ای در جامعه منتشر می‌شوند به‌شدت داغ است. کتاب‌هایی که بر پایه و اساس معتبری مستند نبوده‌اند و نویسندگان آنها براساس توهمات و مظنونات خود مطالبی را به افراد مختلف نسبت می‌دهند نقل این داستان‌ها به‌گونه‌ای است که هرگاه شخصی بخواهد در صحت و سقم آن تحقیق کند برایش غیر ممکن است؛ زیرا مدعیان رؤیت در قید حیات نیستند و دسترسی به آنها ناممکن است (ر.ک.، ابطحی، ۱۳۶۸، ص ۳۳۲). از طرف دیگر براساس دلایل معتبری که در ادامه بحث می‌آید دیدار عینی و ملموس با امام عصر عجله الله تعالی فرجه الیه به‌گونه‌ای که دیدارکننده در هنگام دیدار آن حضرت را بشناسد در عصر غیبت کبری با موازین شرع سازگار نیست. در روایات معتبر از مدعیان چنین مشاهده‌ای با عنوان کذاب و مفتری نام برده شده است. بر این اساس

داستان‌هایی که با دلایل معتبر روایی منافات دارد، مخدوش است. با دقت در تمام داستان‌هایی که تشرفات عالمان بزرگی مانند سید بحر العلوم، سیدبن طاووس و... ذکر شده است، مشخص می‌شود که هیچ‌یک از آنها ادعا نکرده‌اند که در هنگام تشریف، امام عَلَيْهِ السَّلَام را شناخته‌اند. آنچه از این بزرگواران به صورت اخبار متواتر رسیده است آن است که آنها بعد از تشریف متوجه شده‌اند که فردی را که با او ملاقات نموده‌اند، حضرت حجت بوده است یا اینکه ادعا کرده‌اند که صدای آن حضرت را شنیده‌اند. بدیهی است که این‌گونه ادعاها منافاتی با موازین شرعی و عقلی ندارد و قابل قبول است. سیدبن طاووس که تشرفات زیادی به ایشان نسبت داده شده است ادعا کرده است که: «شبی در سرداب مقدس بودم به هنگام سحر دعای حضرت را شنیدم و آن را حفظ کردم» (سیدبن طاووس، ۱۳۸۸، ص ۳۶۲). بنابراین، تمام تشرفات واقعی در عصر غیبت کبری به تفسیر مذکور قابل حمل است.

اغلب داستان‌هایی نیز که به دیگران نسبت داده شده است به گونه‌ای است که از آنها ادعای مشاهده حضرت در بیداری استفاده نمی‌شود. از طرفی در بسیاری از این موارد شخص چنین ادعایی نداشته و بیشترین چیزی که ادعا کرده‌اند این است که مورد عنایت حضرت قرار گرفته‌اند بدون اینکه حضرت را در هنگام دیدار بشناسند. بدیهی است که چنین ارتباطی امری ممکن است. همچنین اطمینان و یقین به اینکه فرد مشاهده شده امام عَلَيْهِ السَّلَام بوده است یا یکی از اولیای دیگر الهی امری دشوار است و اثباتش نیاز به دلیل قطعی دارد. برخی از داستان‌های ذکر شده سال‌ها بعد از وفات دیدارکننده نقل شده است مانند تشریفی که به علامه حلی نسبت داده شده است؛ زیرا زمان وفات ایشان در سال ۷۲۶ بوده است در حالی که قاضی نورالله شوشتری که داستان ملاقات را بیان می‌کند متوفای ۱۰۱۹ هجری است. (شوشتری، ۱۳۷۷، ۵۷۳/۱)

برخی داستان‌ها نیز با شأن و منزلت امام عَلَيْهِ السَّلَام منافات دارد مانند داستانی که درباره تشریف ملاقاسم رشتی نقل شده است که ایشان بعد از ملاقات با حضرت در قبرستان تخته فولاد اصفهان چون میل به کشیدن قلیان پیدا کردند حضرت به او فرمود: «حالا میل به قلیان داری در این کوله‌پشتی قلیان است بیرون بیاور و بکش من هم همراه تو می‌کشم. خواستم نوکرم را بخوانم و ساختن قلیان را به او رجوع دهم به محض خطور این خیال حضرت فرمود: نه خودت بساز. عرض کردم چشم. در کوله‌پشتی دست بردم، قلیانی بود. آب تازه ریختم و تنباکو و زغال و... به قدر یک دفعه ساختن، آماده کردم، خودم کشیدم و به ایشان هم دادم، پس از یک بار تعاطی فرمود: آتش قلیان را

بریز و در کوله‌پشتی بگذار، اطاعت کردم» (نپاوندی، ۱۳۸۶، ۳۶۸/۵). چنین حکایات ناصواب و قبیحی در کتاب‌هایی که به نام امام عصر علیه السلام نوشته شده است، منتشر می‌شود. تأسف بیشتر اینکه مؤلف کتاب عنایات حضرت مهدی علیه السلام به علماء و طلاب در ذیل داستان فوق می‌نویسد: «البته این تنباکو و زغال توسط خود حضرت مهیا شده بود» (باقی اصفهانی، ۱۳۸۳، ص ۱۵۰).

چنین داستان‌هایی علاوه بر نقل در کتاب‌های شیعه در کتاب‌های اهل سنت نیز یافت می‌شود. «مردی مدتی شراب‌خوار و عیاش بود، سپس توبه کرد و در مسجد اموی دمشق وصف امام مهدی علیه السلام را شنید و به او علاقه‌مند شد. در یکی از روزها که با تأثر در مسجد نشسته بود مردی به پشت او زد و گفت من مهدی هستم که دنبالش می‌گردی. از وی خواست که چند روزی خانه‌ای را به او اختصاص دهد و مهدی یک هفته آنجا ماند». (ر.ک.، ذاکری، ۱۳۷۴) در برخی از این داستان‌ها که در مورد جزیره خضراست قهرمان قصه دیدار فردی مسیحی است که موفق می‌شود به همراه پدر و عده‌ای دیگر از مسیحیان و یهودیان وارد جزیره‌ای شود که یکی از فرزندان امام عصر علیه السلام در آنجا حکومت دارد. محدث نوری این داستان تخیلی را به عنوان دومین نمونه از حکایات کسان‌ی که در غیبت کبری به محضر امام زمان علیه السلام رسیده‌اند، نقل کرده است (نوری، ۱۴۱۲، ص ۳۹۱-۴۰۲). در حالی که علاوه بر ضعف سند و مغایرت با قصه‌های دیگری که درباره جزیره خضرا آورده است هیچ‌گاه آن فرد مسیحی مدعی دیدار با امام عصر علیه السلام نشده است بلکه تنها ادعای دیدار با فرزند او را کرده است. بسیاری از داستان‌هایی که در باب تشریف به محضر امام عصر علیه السلام ذکر شده است مربوط به عصر غیبت صغری است؛ زیرا ملاقات با امام زمان علیه السلام در آن دوران برای عده خاصی از شیعیان قطعی و مورد قبول است مانند داستان‌هایی که در کتاب الغیبه شیخ طوسی ذکر شده و مربوط به دوران غیبت صغری است.

۴. توقیعات شیخ مفید

توقیع از وقع به معنای پرتاب کردن تیر به هدفی نزدیک و اثر جهاز شتر بر پشت حیوان (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۱۷۷/۲؛ ابن درید، ۱۹۸۸، ۹۴۵/۲) و نیز به معنی امضا کردن نامه و فرمان و نشان کردن برنامه و منشور آمده است. توقیع نوشته‌ای بر حاشیه و پشت شکایات به خط خلیفه یا سلطان یا برخی از فرمانروایان بود که بر رسیدگی به شکایات تأکید می‌کرد (زبیدی، ۱۴۱۴، ۵۲۲/۱۱، ماده وقع). توقیع نویسی از دیرباز بین حکام و فرمانروایان رواج داشته و در متون

تاریخی و غیره بسیاری از این توقیعات به چشم می خورد. کتاب توقیعات کسری نمونه‌ای از این آثار است. در منابع شیعی قسمت‌هایی از مکتوبات ائمه علیهم‌السلام به عنوان توقیعات ذکر شده است که بیشتر آنها توقیعاتی است که از جانب حضرت مهدی علیه‌السلام صادر شده است هرچند نحوه صدور توقیعات و چگونگی ارتباط نواب خاص امام زمان علیه‌السلام با آن حضرت فاش نشده است، اما در بخشی از توقیعات معجزه‌آمیز بودن آنها به‌طور کامل مشهود است و به‌طور قطع می‌توان گفت که صدور آنها به‌طور عادی صورت نگرفته است (صدر، ۱۴۱۲، ص ۴۳۰). اصل صدور توقیع از جمله دلایل وجود شریف آن حضرت شمرده شده است (نهادندی، ۱۳۸۶، ۲/۲۰۸). در موارد زیادی راویان تصریح کرده‌اند که توقیعات حضرت حجت به خط شریف خود او صادر شده است که وکلای آن حضرت آن را می‌شناختند و جملاتی مانند فوق بخره، بخره، رأیت التوقیع بخره و... در بیانات آنها دلیل این مطلب است (صدر، ۱۴۱۲، ص ۴۳۰). یکی از دلایل اثبات وقوع تشریف به محضر امام زمان علیه‌السلام در دوران غیبت کبری توقیعاتی است که از ناحیه امام عصر علیه‌السلام به شیخ مفید ارسال شده است. توقیع اول در ماه صفر سال ۴۱۰ هجری و توقیع دوم در شوال ۴۱۲ و توقیع سوم در ذیحجه سال ۴۱۲ صادر شده است (طبرسی، ۱۳۸۰، ۲/۲۶۸-۲۷۴).

بررسی توقیعات شیخ مفید: استدلال به این مکاتبات برای اثبات تشریف به‌گونه‌ای که ملاقات‌کننده در حین تشریف امام علیه‌السلام را بشناسد از موضوع خارج است؛ زیرا بین مکاتبه و توقیع امام زمان علیه‌السلام با شخص و ملاقات حضوری به‌گونه‌ای که دیدارکننده امام علیه‌السلام را بشناسد ملازمه‌ای وجود ندارد. بنابراین، می‌توان گفت که در صورت صحت سند مکاتبات مذکور، شیخ مفید این توفیق را به‌دست آورده است که امام زمان علیه‌السلام با او مکاتبه کند هرچند شخصیت‌هایی مانند علامه بحرالعلوم (بحرالعلوم، بی تا، ۳/۳۲۰) و آیت‌الله خویی (خویی، ۱۴۱۳، ۱۸/۲۱۹-۲۲۱) در صحت این توقیعات تردید کرده‌اند.

۵. گفتار برخی از عالمان شیعه

موافقان وقوع تشریف در دوران غیبت کبری گفتار بزرگانی مانند سید مرتضی و شیخ طوسی در امکان وقوع چنین تشریفاتی را دلیلی بر صحت ادعای خود ذکر کرده‌اند.

نقد و بررسی گفتار برخی از عالمان شیعه: دقت در گفتار این بزرگان بیانگر این واقعیت

است که آنها فقط احتمال وقوع ملاقات با حضرت را در غیبت کبری ذکر کرده‌اند و در رابطه با

تحقق آن در خارج هیچ ادعایی نداشته‌اند. سید مرتضی در پاسخ به این سؤال که وجود امام غائب چه فایده‌ای دارد، می‌فرماید: «نخستین چیزی که به آن معتقدیم این است که ما یقین نداریم هیچ کس به خدمت امام علیه السلام نمی‌رسد و هیچ بشری او را ملاقات نمی‌کند. این امر معلوم نیست و راهی برای قطع به آن وجود ندارد. ما جایز می‌دانیم که گروهی از اولیا و معتقدان به امامت آن حضرت به محضرشان مشرف شوند. هر کس از ما نمی‌داند مگر حال خود را، اما حال دیگران برای او معلوم نیست» (علم‌الهدی، ۱۳۸۰، ص ۲۷۹-۲۸۲). شیخ طوسی نیز در پاسخ این سؤال که چرا امام علیه السلام از اولیای خویش مخفی شده است، می‌فرماید: «ما قطع نداریم که او از تمام دوستانش پنهان باشد و احتمال در این باب کافی است» (شیخ طوسی، ۱۴۱۱، ص ۹۲). بدیهی است این نوع گفتار منافاتی با سخن کسانی که قائل به نفی تشرّف در دوران غیبت کبری هستند، ندارد؛ زیرا اینان هیچ‌گاه احتمال چنین تشرفاتی را نفی نکرده‌اند بلکه معتقدند براساس روایات قطعی، کسانی که مدعی چنین مشاهداتی هستند را باید تکذیب کرد. گفتار سید مرتضی رحمته الله و شیخ طوسی در احتمال تحقق دیدار، مستلزم آن نیست که چنین دیداری بین امام عصر علیه السلام و شیعیانی غیر از موالیان همیشگی او وجود داشته باشد. بنابراین، همین‌که عده‌ای از حواریون و خدمت‌گزاران آن بزرگوار در کنار حضرتش باشند سخنان سید مرتضی و شیخ طوسی تحقق یافته است. بنابراین، هیچ‌یک از دلایل معتقدین به دیدار حضرت در غیبت کبری به‌گونه‌ای که دیدارکننده در هنگام دیدار امام علیه السلام را بشناسد، تمام نیست.

۶. دیدگاه دوم: نفی تشرفات و دیدار با امام عصر علیه السلام

در برابر دیدگاه قائلان به وقوع دیدار و تشرّف به محضر حضرت علیه السلام شخصیت‌های بزرگی مانند شیخ مفید هستند که هر چند امکان عقلی چنین ملاقات‌هایی را پذیرفته‌اند، اما براساس موازین شرعی، مدعیان آن را مفتری و کذاب می‌دانند.

۶-۱. دلایل نفی رؤیت مطلق و ادعای مشاهده در عصر غیبت کبری

اول) توقیع حضرت به علی بن محمد سمري

شیخ صدوق در کمال‌الدین و شیخ طوسی در احتجاج روایت کرده‌اند که: «بیرون آمد به‌سوی علی بن محمد سمري توقیع امام علیه السلام که ای علی بن محمد سمري بشنو خداوند بزرگ گرداند اجر برادران تو را درباره تو، پس به‌درستی که تو وفات خواهی کرد از حالا تا شش روز، پس جمع

کن امر خود را و وصیت مکن به احدی که قائم مقام تو باشد بعد از وفات تو، پس به تحقیق که واقع شد غیبت تامه، پس ظهوری نیست مگر بعد از اذن خدای تعالی و این بعد از طول زمان و قساوت قلوب و پرشدن زمین از ستم است. زود است که می آید از شیعه من کسی که مدعی مشاهده من است. آگاه باشید که هرکس ادعای مشاهده مرا قبل از خروج سفیانی و صیحه آسمانی نماید کذاب و مفتری خواهد بود. «و لا حول و لا قوّة إلاّ بالله العلیّ العظیم» (شیخ صدوق، ۱۳۹۵، ص ۵۱۶). برخی این توقیع شریف را دلیلی بر نفی دیدار و تشرف به محضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه در دوران غیبت کبری ذکر کرده اند.

تحلیل و بررسی: هر چند برخی از عالمان دینی مانند علامه مجلسی رحمته الله و محدث نوری دلالت روایت را بر نفی مطلق مشاهده در غیبت کبری نپذیرفته اند و آن را به مشاهداتی حمل کرده اند که دیدارکننده ادعای نیابت خاصه نماید، اما دقت در صدر و ذیل روایت که از نظر سندی نیز تمام است چنین احتمالی را نفی می کند؛ زیرا در جمله نخست، توقیع بعد از اعلام وفات علی بن محمد سمری، نفی نیابت خاصه بعد از ایشان ذکر شده است. «وصیت مکن به احدی که قائم مقام تو باشد». بنابراین، ذکر مجدد آن مستلزم تکرار است که نیازی به آن نیست. همچنین عبارت: «پس ظهوری نیست مگر بعد از اذن خدای تعالی» بیانگر آن است که در دوران غیبت کبری امکان مشاهده آن حضرت به گونه ای که دیدارکننده او را بشناسد، وجود ندارد. عبارت «هر کس مدعی مشاهده شود» مطلق است و شامل همه انواع مشاهده از جمله مشاهده همراه با ادعای آن می شود، پس اختصاص این عبارت به «مشاهده همراه با ادعای نیابت خاصه» مخالف این اطلاق است به ویژه که مسئله نفی نیابت، خاصه در صدر توقیع ذکر شده است. اگر مراد امام عجل الله تعالی فرجه از عبارت «من ادعی المشاهده» فقط نفی نیابت خاصه مدعیان مشاهده باشد و درصدد نفی مطلق مشاهده نباشد سزاوار بود که به جای مشاهده واژه نیابت را به کار می برد تا احتمال هر نوع برداشت انحرافی از بین برود. بنابراین استفاده از واژه مشاهده به صورت مطلق، زمینه هر نوع سوء استفاده را از مدعیان دیدار با امام زمان عجل الله تعالی فرجه سلب خواهد کرد.

نکته قابل توجه در این توقیع آن است که فقط ادعای مشاهده در غیبت کبری برای شیعیان نفی شده است نه اصل مشاهده. بنابراین، اگر فردی بر اثر تهذیب نفس و ارتباطات معنوی موفق به مشاهده حضرت شد و برای دیگران اظهار نکرد، مشمول این توقیع نخواهد بود، اما در صورت اظهار و ادعای مشاهده -حتی اگر سخن مدعی از نظر خودش صحیح باشد- براساس این

توقیع، شیعیان موظفند او را تکذیب کنند. از طرف دیگر، نفی مشاهده در این حدیث منافاتی با ارتباط برخی از اولیای الهی با امام علیه السلام به صورت مکاتبه ندارد. همچنین بین تکذیب مدعیان مشاهده به هنگام ملاقات و بین کسانی که بعد از تشریف به محضر امام علیه السلام متوجه این تشریف و توفیق بزرگ شده‌اند منافاتی وجود ندارد؛ زیرا روایت مدعیانی را نفی می‌کند که ادعا می‌کنند به هنگام مشاهده امام علیه السلام را شناخته‌اند و نه کسانی را که بعد از ملاقات متوجه آن شده‌اند. آیت الله بهجت درباره این روایت می‌فرماید: «روایت «من ادعی المشاهده» قطعاً سماع و صوت و مکاتبه را شامل نمی‌شود؛ یعنی اگر کسی ندای امام علیه السلام را بشنود و یا ادعای مکاتبه با آن حضرت را داشته باشد نباید تکذیب شود و حتی کسی که بعد از تشریف به محضر حضرت و رفتن ایشان متوجه می‌شود که آن کسی که با او ملاقات کرد حضرت علیه السلام بوده است شامل او نمی‌شود» (اسلام‌جو، ۱۳۸۶، ص ۵۱).

علاوه بر دلایل فوق لازم به ذکر است که در گفتار بزرگان، منافاتی بین توقیع شریف و دیدار دیده نشده است. قطب راوندی در کتاب الخرائج هم توقیع را ذکر کرده است و هم به ذکر دیدارها در دوران غیبت کبری پرداخته و تعارضی را بین آنها مطرح نکرده است. سید علی بن عبدالکریم نیلی نجفی با آنکه توقیع را ذکر کرده است، اما فصل مستقلی را به دیدارها اختصاص داده است و با شخصیت‌هایی مانند فیض کاشانی و شیخ حر عاملی که دیدارها را نقل کرده‌اند، سخن از تعارض توقیع با دیدارها به میان نیاورده‌اند. (ر.ک.، جعفری، ۱۳۸۹، ص ۲۱-۲۳) بنابراین، توقیع شریف دلیلی بر نفی رؤیت مطلق امام علیه السلام در دوران غیبت کبری نیست.

۲-۶. ناشناخته‌بودن حضرت علیه السلام در دوران غیبت کبری

دلیل دیگر بر نفی ملاقات، روایاتی است که بر ناشناخته‌بودن حضرت علیه السلام در غیبت کبری دلالت می‌کند. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «حجت حق بر زمین استوار است، در جاده‌ها حرکت می‌کند، در خانه‌ها و قصرها وارد می‌شود و در شرق و غرب زمین به گردش می‌پردازد، سخن مردم را می‌شنود و بر جماعت مردم سلام می‌کند، می‌بیند و دیده نمی‌شود تا زمان ظهور وعده الهی و ندای آسمانی» (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۱۴۵). از امام رضا علیه السلام درباره قائم علیه السلام سؤال شد، فرمود: «لا یری جسمه و لا یسمی باسمه؛ حضرت دیده نمی‌شود و نامش برده نمی‌شود» (کلینی، ۱۳۸۸، ۲۶۸/۱). امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «أنکم لا ترون شخصه؛ شما شخص او را نمی‌بینید» (کلینی، ۱۳۸۸، ۲۶۸/۱). براساس برخی روایات با اینکه حضرت هر ساله در

مراسم حج حضور دارد، اما مردم قادر به دیدن آن حضرت نیستند مانند روایتی که از امام صادق علیه السلام که می‌فرماید: «للقائم غیبتان: یشهد فی إحداهما المراسم یری الناس و لا یرونه؛ امام قائم علیه السلام دو غیبت دارد. در یکی از آنها در مراسم حج شرکت می‌کند، مردم را می‌بینند، ولی مردم او را نمی‌بینند و نمی‌شناسند» (کلینی، ۱۳۸۸، ۱/۲۷۴).

بررسی: واضح است که این دست روایات با دیدن آن حضرت به نحوی که دیدارکننده بعد از دیدار متوجه امام علیه السلام شود و حتی آن را برای دیگران نقل کند، منافاتی ندارد؛ زیرا مضمون روایات این است که حیات امام علیه السلام در دوران غیبت کبری به گونه‌ای است که مردم آن حضرت را اگر هم ببینند، نمی‌شناسند. بنابراین، این دست روایات منافاتی با دیدار امام علیه السلام در دوران غیبت ندارند.

۳-۶. آزمایش و امتحان مؤمنان

دلیل دیگر بر نفی دیدار امام علیه السلام وجود روایاتی است که بر آزموده شدن و امتحان شیعیان در عصر غیبت دلالت دارد. مضمون این روایات که به حد تواتر هم رسیده‌اند این است که غائب بودن امام عصر علیه السلام آزمونی دشوار است که اراده الهی بر آن تحقق گرفته است و چه بسا بسیاری از مؤمنان اعتقادشان در این زمینه سست شده و یا از بین رفته است. بنابراین، اگر روایت امام عصر علیه السلام و شناخت آن حضرت در هنگام دیدار آن گونه که در برخی داستان‌ها ذکر شده است به راحتی یا بعد از طی مراحل امکان داشته باشد اجرای این آزمون الهی نسبت به آنان چگونه است. در بعضی روایات پاداش باقی ماندن بر دوستی اهل بیت علیهم السلام در دوران غیبت، معادل پاداش هزار شهید مانند شهدای بدر و احد شمرده شده است. (شیخ صدوق، ۱۳۹۵، ص ۳۲۳) در برخی روایات از دوران غیبت به عنوان دوران حیرت نام برده شده است. امام علی علیه السلام فرمود: «ولکن بعد غیبة و حیرة فلا یثبت فیها علی دینه إلا المخلصون المباشرون لروح الیقین؛ قیام او بعد از غیبت و دوران حیرتی است که کسی بر دین خود باقی نمی‌ماند مگر افراد مخلص مباشر با روح یقین» (صدوق، ۱۳۹۵، ۱/۳۰۴).

عالم بزرگ شیعه مرحوم کاشف الغطا براساس این روایات، طولانی شدن غیبت را از اسباب امتحان شیعیان می‌داند و می‌نویسد: «وإنَّ بطول مدّة غیبتة یمتاز الایمان الثابت من المستودع و المؤمن الخالص من المغشوش فهی غربلة و تصفیه للمؤمنین و لیمحص الله الذین آمنوا و یمحق الکافرین؛ در زمان غیبت طولانی آن حضرت، افراد ثابت و خالص از کسانی که دارای

ایمان ثابتی نیستند، شناخته شده و این دوران تصفیه و غربالی برای مؤمنان است و برای اینکه مؤمنان آزمایش و کافران نابود شوند» (نوری، ۱۴۱۵، ص ۲۲۶). با وجود روایاتی که دوران غیبت را سخت‌ترین دوران تاریخ بشر معرفی کرده است و آن را آزمایش بزرگ برای بشریت می‌داند آیا می‌توان وقوع دیدار آن حضرت را به‌گونه‌ای که دیدارکننده در هنگام مشاهده، آن حضرت را بشناسد و برای دیگران نقل کند، پذیرفت. آیا تدوین و نشر بی‌ضابطه کتاب‌هایی که در آنها داستان تشرفات فراوان زنان و مردان، مسلمان و غیر مسلمان به محضر امام عصر علیه السلام ذکر شده است و در برخی از آنها راه دیدار را به شیعیان نشان داده‌اند نقض یکی از فلسفه‌های غیبت نیست. مدعیان و ناشران این کتب در برابر این سؤال اساسی چه پاسخی دارند.

در پاسخ به این دلیل باید گفت که مضمون روایات متواتری که بر آرموده‌شدن و امتحان شیعیان در عصر غیبت دلالت دارد دلیلی بر نفی تشرف نیست. بنابراین، وظیفه اصلی شیعیان در دوران غیبت، تلاش در تحصیل رضایت آن حضرت و فراهم کردن شرایط و مقدمات ظهور است و شایسته است به‌جای نشر داستان‌های بدون اسناد متقن، تکالیف و رسالت شیعیان در عصر غیبت بیان شود. باید توجه داشت که وظیفه اصلی در دوران غیبت، تلاش در ملاقات و دیدار آن حضرت نیست بلکه کسب رضایت آن امام بزرگوار علیه السلام و عمل به تکلیف مهمتر است هر چند تشرف به محضر آن بزرگوار توفیقی بزرگ برای انسان است. همان‌طور که در برخی دعاها مانند دعای ندبه جملاتی مبنی بر درخواست از خداوند برای دیدن آن حضرت ذکر شده است. بنابراین، امکان عقلی دیدار با امام علیه السلام در دوران غیبت کبری منعی ندارد و دیدار با آن حضرت امری ممکن است و آنچه ممنوع شده این است که فرد دیدارکننده مدعی شود در هنگام دیدار، امام علیه السلام را شناخته است و یا هر زمان بخواهد می‌تواند با امام علیه السلام ملاقات کند.

۷. دیدگاه مراجع عظام تقلید درباره تشرف به محضر امام علیه السلام

۷-۱. دیدگاه آیت‌الله بهجت رحمته الله

«بعضی شروع اذکار و اورادی می‌کنند تا امام زمان علیه السلام را ببینند. چه اصراری بر دیدن آن حضرت دارید. شما سعی کنید اعتقاداتان به حضرت زیاد شود و ایشان از شما خوشنود باشد. لازم نیست که انسان در پی این باشد که خدمت حضرت ولی عصر علیه السلام تشرف یابد بلکه شاید خواندن دو رکعت نماز پس از توسل به ائمه علیهم السلام بهتر از تشرف باشد». (اسلام‌جو، ۱۳۸۶، ص ۴۴)

۲-۷. دیدگاه آیت‌الله وحید خراسانی

«ادعای رؤیت و رابطه برخلاف سیره فقهای راشدین است. «آن را که خبر شد، دیگر خبری باز نیامد». اگر از کسانی هم بروز کرده است بعد از فوت و ختم قضیه بوده است. بزرگ‌ترین خیانت را کسی کرده که از این ادعاها می‌کند». (پورسید آقایی، ۱۳۸۲، ص ۲۴۷)

۳-۷. دیدگاه آیت‌الله مکارم شیرازی

«متأسفانه یک عده سوء استفاده‌گر درباره این مسئله پیدا شده‌اند. همیشه از مهمترین مسائل سازنده از سوی بعضی بدترین سوء استفاده‌ها شده است. این گونه برخوردها یا ناشی از فکر کوتاه است و یا توطئه‌ای در کار است که می‌خواهند ابهت مسئله مهدویت را بشکنند و خراب کنند. ما مأمور نیستیم که اصرار به دیدن حضرت داشته باشیم. کسی ممکن است خدمت حضرت مشرف شود، اما آنانی که مشرف شدند، خبری نمی‌دهند. آنان تظاهر به این مسائل نمی‌کنند. براساس رواج همین تفکر غلط خیلی‌ها می‌آیند پیش ما و می‌گویند آقا دعا کنید تا حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فی‌سماوات‌و‌الأرضین را ببینیم. نباید چنین امیدی را و یک چنین فکری را در جامعه ایجاد کنیم. ان‌شاءالله می‌مانیم و ظهور حضرت را می‌بینیم». (ر.ک.، پورسید آقایی، ۱۳۸۴، ص ۲۹)

۸. نتیجه‌گیری

درباره امکان تشریف به محضر حضرت حجت عجل‌الله‌تعالی‌فی‌سماوات‌و‌الأرضین در دوران غیبت کبری دو دیدگاه اساسی وجود دارد. هر کدام از طرفداران دو دیدگاه دلایلی را ذکر کرده‌اند. در بررسی دلایل طرفداران دیدگاه امکان تشریف موارد زیر مشخص شد:

الف) روایات: روایت اول علاوه بر ضعف سند از جهت دلالت نیز قابلیت پذیرش برای ادعای مذکور را ندارد؛ زیرا محتوای حدیث با شأن و منزلت امام عجل‌الله‌تعالی‌فی‌سماوات‌و‌الأرضین سازگاری ندارد و مقام امام عجل‌الله‌تعالی‌فی‌سماوات‌و‌الأرضین بالاتر از آن است که برای رفع وحشت در هر عصری با سی‌تن به‌طور متناوب انس بگیرد و این روایت دلیلی بر تشریف افراد در دوران غیبت کبری نیست. روایت دوم نیز نشان می‌دهد که در غیبت صغری تنها عده خاصی از شیعیان مخلص از مکان حضرت مطلع بوده‌اند و امکان دیدار برایشان فراهم بوده است، اما در دوران غیبت کبری هیچ کس از مکان آن حضرت اطلاع ندارد و تنها خواص از موالیان حضرت که همیشه ملازم با او هستند از این امر آگاهند. بنابراین، روایاتی از این دست امکان دیدار با امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فی‌سماوات‌و‌الأرضین در زمان غیبت کبری را ثابت نمی‌کنند.

ب) بررسی داستان‌های زیاد درباره تشریف‌نشان می‌دهد که هیچ‌کدام از این علما مانند سید بحر العلوم ادعا نکرده‌اند که در هنگام تشریف، امام عجل‌الله‌فرجه را شناخته‌اند و از اغلب داستان‌ها ادعای مشاهده حضرت در بیداری استفاده نمی‌شود. علاوه بر اینکه برخی از داستان‌های ذکرشده، سال‌ها بعد از وفات دیدارکننده نقل شده است و حتی برخی داستان‌ها نیز با شأن و منزلت امام منافات دارد و مهمتر اینکه بسیاری از این داستان‌ها مربوط به عصر غیبت صغری است.

ج) توقیعات شیخ مفید: در صورت صحت سند مکاتبات مذکور باید گفت که شیخ مفید این توفیق را به دست آورده است که امام زمان عجل‌الله‌فرجه با او مکاتبه کند و این غیر از ادعای مشاهده است. د) گفتار بزرگانی مانند سید مرتضی و شیخ طوسی بیانگر این واقعیت است که آنها فقط احتمال وقوع ملاقات با حضرت را در غیبت کبری ذکر کرده‌اند و درباره تحقق آن در خارج هیچ ادعایی نداشته‌اند. بنابراین، هیچ‌یک از دلایل معتقدین به دیدار حضرت عجل‌الله‌فرجه در غیبت کبری به گونه‌ای که دیدارکننده در هنگام دیدار امام عجل‌الله‌فرجه را بشناسد، تمام نیست.

در بررسی دلایل دیدگاه دوم یعنی، نفی رؤیت مطلق و ادعای مشاهده در عصر غیبت کبری مشخص شد که از توقیع امام عجل‌الله‌فرجه به علی بن محمد سمري (نایب چهارم حضرت) نفی نیابت خاصه و نفی ادعای مشاهده در غیبت کبری استفاده می‌شود و اصل مشاهده و ارتباط معنوی با آن حضرت بدون اظهار برای دیگران نفی نشده است.

مضمون روایاتی که بر ناشناخته‌بودن حضرت عجل‌الله‌فرجه در غیبت کبری دلالت می‌کند این است که حیات امام عجل‌الله‌فرجه در دوران غیبت کبری به گونه‌ای است که مردم آن حضرت را اگر هم ببینند، نمی‌شناسند و دلیلی بر نفی مشاهده حضرت نیست.

مضمون روایات متواتری که بر آزموده‌شدن و امتحان شیعیان در عصر غیبت دلالت دارد دلیلی بر نفی تشف نیست. بنابراین، وظیفه اصلی شیعیان در دوران غیبت، تلاش در تحصیل رضایت آن حضرت و فراهم کردن شرایط و مقدمات ظهور است. بنابراین، اصل ملاقات و تشریف به محضر امام عصر عجل‌الله‌فرجه در عصر غیبت کبری به گونه‌ای که ملاقات‌کننده در زمان تشریف، امام عجل‌الله‌فرجه را بشناسد و آن‌گاه آن را برای دیگران ادعا کند با موازین دینی قابل انطباق نیست، اما در صورتی که بعد از تشریف، متوجه این فیض بزرگ شود امری ممکن بلکه واقع نیز شده است و در کتاب‌های معتبر شیعه این نوع تشرفات آمده است.

فهرست منابع

۱. ابطحی، سید حسن (۱۳۶۸). ملاقات با امام زمان علیه السلام. مشهد: کانون بحث و انتقاد دینی.
۲. ابن درید، محمدبن حسن (۱۹۸۸). جمهره اللغة. بیروت: دار العلم الملايين.
۳. اسلام‌جو، حامد (۱۳۸۶). پرسش‌های شما و پاسخ‌های آیت‌الله بهجت. قم: طوبای محبت.
۴. باقی اصفهانی، محمدرضا (۱۳۸۳). عنایات حضرت مهدی علیه السلام به علما و طلاب. قم: نصاب.
۵. بحرالعلوم، سید محمد مهدی (بی‌تا). رجال. بی‌جا.
۶. پورسید آقایی، مسعود (۱۳۸۲). میر مهر (جلوه‌های محبت امام زمان علیه السلام). قم: حضور.
۷. پورسید آقایی، مسعود (۱۳۸۴). در محضر حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی. نشریه انتظار موعود، شماره ۱۱-۱۲، صص ۲۱-۳۰.
۸. جعفری، جواد (۱۳۸۹). دیدار در عصر غیبت از نفی تا اثبات. قم: مؤسسه آینده روشن.
۹. خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۳). م علیه السلام م رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه. بی‌جا: بی‌نا.
۱۰. دانشور، هادی (۱۳۷۶). تشرفات بین نفی و اثبات. نشریه موعود؛ شماره ۱.
۱۱. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). لغت‌نامه دهخدا. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۲. ذاکری، علی‌اکبر (۱۳۷۴). ارتباط با امام زمان علیه السلام در عصر غیبت. نشریه حوزه، شماره ۷۰ و ۷۱، صص ۶۵-۱۳۲.
۱۳. زبیدی، مرتضی (۱۴۱۴). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دار الفکر.
۱۴. سیدبن طاووس، رضی‌الدین (۱۳۸۸). مهج الدعوات و منهج العنایات. تهران: شمس الضحی.
۱۵. شوشتری، قاضی نورالله (۱۳۷۷). مجالس المؤمنین. تهران: انتشارات اسلامی.
۱۶. شیخ صدوق، محمدبن علی (۱۳۹۵). کمال‌الدین و تمام النعمه. قم: دار الکتب الاسلامیه.
۱۷. شیخ صدوق، محمدبن علی (۱۴۰۳). الخصال. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۸. شیخ طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۱). مصباح المجتهد. بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
۱۹. شیخ مفید، محمدبن محمدبن نعمان (۱۴۱۳). الفصول العشره فی الغیبه. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۲۰. شیخ مفید، محمدبن نعمان (۱۴۱۶). الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. بیروت: مؤسسه آل‌البيت لاحیاء التراث.
۲۱. الصدر، السید محمد (۱۴۱۲). تاریخ الغیبه الصغری. بیروت: دار التعارف.
۲۲. صدر، سید صدرالدین (۱۴۲۱). المهدی. به اهتمام سید باقر خسروشاهی. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۳. صمدی، قنبر علی (۱۳۸۶). تأملی در باب ارتباط و ملاقات با امام زمان علیه السلام. مجله مشرق موعود، (۱۱)، ۹-۳۶.
۲۴. طبرسی، ابی منصور احمدبن علی بن ابی طالب (۱۳۸۰). الاحتجاج. الشریف الرضی.
۲۵. علم‌الهدی، شریف مرتضی (۱۳۸۰). تنزیه الانبیاء و الائمه. قم: بوستان کتاب.
۲۶. عمید، حسن (۱۳۸۲). فرهنگ عمید. تهران: چاپخانه سپهر.
۲۷. فراهیدی، خلیل‌بن احمد (۱۴۰۹). کتاب العین. قم: نشر هجرت.
۲۸. الکاتب، احمد (۱۹۹۸). تطور الفكر السیاسی الشیعی من الشوری الی ولایه الفقیه. بیروت: دار الجدید.
۲۹. کریمی جهرمی، علی (۱۳۸۳). عنایات حضرت مهدی موعود علیه السلام به علما و مراجع تقلید. تبریز: نور ولایت.
۳۰. کلینی رازی، محمدبن یعقوب (۱۳۸۸). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۳۱. مازندرانی، مولا محمد صالح (۱۴۲۱). شرح اصول کافی. تعلیق: شعرانی، ابوالحسن. مصحح: عاشور، سید علی. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۳۲. مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۳). مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول. مصحح: رسولی، هاشم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۳. معین، محمد (۱۳۵۱). فرهنگ فارسی معین. تهران: امیرکبیر.
۳۴. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷). کتاب الغیبه. تهران: مکتبه الصدوق.
۳۵. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۳۲۰). جنه المأوی فی ذکر من فاز بقاء الحجه. قم: مؤسسه السیده المعصومه علیها السلام.
۳۶. نوری، میرزا حسین (۱۴۱۲). نجم الثاقب. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۳۷. نوری، میرزا حسین (۱۴۱۵). خاتمه مستدرک الوسائل. قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۳۸. نهاوندی، علی اکبر (۱۳۸۶). العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان علیه السلام. محقق: بفرویی، صادق، و احمدی قمی، حسین. قم: انتشارات مسجد جمکران.
۳۹. یزدی حائری، سید محمد بن حسین (۱۳۱۳). بدایع الکلام فیمن فاز بقاء الامام. بی جا: بی نا.